

یک عمر شاعری

«برگزیده اشعار»

منشی: ارجی



کتاب کره پاشی

سرشناسه	: اوجی، منصور، ۱۳۱۶-
عنوان و نام پدیدآور	: یک عمر شاعری: «برگزیده اشعار» / منصور اوجی
مشخصات نشر	: تهران: کتاب کوله‌پشتی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۶۰۰ ص.
شابک	: 978-600-461-202-9
وضعیت فهرست	: فیبا
نویسی	
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره	: PIR۷۹۶۲/و۳۱۱۶/۱۳۹۷
رده بندی دیویی	: ۶۲/۱۸۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۹۶۵۴۳



یک عمر شاعری

«برگزیده اشعار»

منصور ارجمی

دبیر مجموعه مهدی مظفری ساوجی

شابک: ۹۷۸۶۰۰۶۶۱۰۲۰۲-۹

نوبت چاپ: ۱۳۹۰

طراح جلد: امیر اعظمی

صفحه آرا: آتلیه کوله پستی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نشر کتاب کوله پستی

تلفن: ۶۶۵۹۷۶۱۳-۶۶۵۹۴۸۱۰

پست الکترونیک: Koolehposhti_pub@yahoo.com

وبسایت: www.ketabekoolehposhti.com

اینستاگرام: ketabekoolehposhti

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر جنوبی، کوچه‌ی مهدیزاده، پلاک ۷، واحد ۱۰۲

کلیه‌ی حقوق برای مؤلف محفوظ است.

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

فهرست

- ۱۹..... ایجاز زیبا
- ۲۰..... اثر خوب همان بلور است
- ۲۱..... اشاره‌ای به شعر کوتاه فارسی
- ۲۸..... شاعر لحظه‌ها و حالت‌ها
- ۳۹..... کو؟

از دفتر «باغ شب»، ۱۳۴۴

- ۴۲..... در شب
- ۴۳..... ما خود را غم کوهیم
- ۴۴..... سنگ صب
- ۴۵..... پائیز
- ۴۶..... لحظه
- ۴۷..... یک روز غروب

از دفتر «شهر خسته»، ۱۳۴۶

- ۵۰..... جوانی
- ۵۱..... حیاط در باران
- ۵۲..... چشم تو
- ۵۳..... دعوت
- ۵۴..... اما پرنده و گل
- ۵۵..... با ارغوان نگویند

از دفتر «خواب و درخت»، ۱۳۴۶

- ۵۸..... سازی بساز، بنواز
- ۶۰..... مرغی که تا همه جانب پرید
- ۶۱..... این که بر شاخه نشسته‌ست

از دفتر «تنهایی زمین»، ۱۳۴۹

- ۶۴..... منصور منم، منم منصور
- ۶۷..... یارا، شراب را

از دفتر «این سوسن است»، ۱۳۵۰

- ۷۰..... گفتند: تا شراب، شبی سر کن
- ۷۲..... چه پرده بود که می‌ساخت؟
- ۷۴..... بر آن دریاچه کسی بود؟
- ۷۵..... کجا من؟

- ۷۶..... سرو شهیدان، سرود گلویت.....
 ۷۹..... این سوسن است که می‌خواند.....

از دفتر «صدای همیشه»، ۱۳۵۷

- ۸۲..... ای تو، ای ظلمت پاک.....
 ۸۳..... به دهانی که تو داری.....
 ۸۵..... اما.....
 ۸۶..... صدای همیشه.....
 ۸۸..... گل شد.....
 ۹۰..... دل‌ها سرخ شیراز (۲).....
 ۹۱..... زای سینه سرخ، ای پرنده!.....
 ۹۳..... و بخجری تویی.....
 ۹۵..... بهار.....

از دفتر «شعرهایی به کوتاهی عمر»، ۱۳۵۸

- ۹۸..... مرا به نام صدا تن.....
 ۹۹..... آه! اگر زمین نبود.....
 ۱۰۰..... اینک من.....
 ۱۰۱..... غزل نیایش (۱).....
 ۱۰۳..... غزل نیایش (۲).....
 ۱۰۵..... تا سر کشی ز خاک!.....
 ۱۰۷..... چه آواز سبزی!.....
 ۱۰۹..... گل می‌شوی!.....
 ۱۱۰..... در چهچه گلوش.....
 ۱۱۲..... این تویی؟.....
 ۱۱۳..... در آن شبی که ماه.....
 ۱۱۴..... وای مرغی می‌شدم، ای کاش!.....
 ۱۱۶..... در ته دره‌ی دنیا.....
 ۱۱۷..... در تشنگی.....
 ۱۱۹..... در امتداد تپه.....
 ۱۲۰..... قهقایی از حیرت کجایی؟.....
 ۱۲۱..... هوای باغ نکردیم.....
 ۱۲۲..... بهترین خلعت تن را.....
 ۱۲۳..... عابر، سلام!.....

از دفتر «کوتاه، مثل آه»، ۱۳۶۸

- ۱۲۶..... حنجره‌ای قدیم.....
 ۱۲۷..... کوتاه، مثل آه.....
 ۱۲۸..... با خون خود چه کردند؟.....
 ۱۲۹..... زیبایی.....
 ۱۳۰..... هر کسی به شکل اسم خویش.....
 ۱۳۱..... جیرجیرک.....
 ۱۳۲..... شهر در جنگ (۲).....
 ۱۳۳..... در حسن برگ ریز.....
 ۱۳۴..... چه گل هستی؟.....
 ۱۳۵..... کاش.....
 ۱۳۶..... کلاغ‌ها.....
 ۱۳۷..... کجاست مشعلی ما.....
 ۱۳۸..... وای از دل جوان.....
 ۱۳۹..... همزم محض.....
 ۱۴۰..... حافظه بی خاطرات.....
 ۱۴۱..... پس از غروب، پس از عصر.....
 ۱۴۲.....

از دفتر «سوا بنامید»، ۱۳۷۱

- ۱۴۴..... فروغ فرخزاد.....
 ۱۴۵..... گنبد شیخ لطف‌الله.....
 ۱۴۶..... لاله‌عباسی‌ها!.....
 ۱۴۷..... مرده‌ریگ.....
 ۱۴۸..... هدیه دلکش میلادم.....
 ۱۴۹..... هروس.....
 ۱۵۰..... طوفانی سیاه.....
 ۱۵۱..... نگاهی مرا برد.....
 ۱۵۲..... سایه‌ای بر سایه‌ای.....
 ۱۵۳..... در این پسین بهاری.....
 ۱۵۴..... گیلاس اگر گلی نمی‌آورد؟.....
 ۱۵۵..... پشت آن پنجره.....
 ۱۵۶.....

از دفتر «شعرهای مصری»، ۱۳۸۷- با تأخیر

- ۱۶۰..... ای تو، آغاز شعرهای جهان.....
 ۱۶۱..... حرکت خلخال پاش.....

۱۶۲.....	عطش را آب می‌جستیم.....
۱۶۴.....	با آن دو برگ سبز.....
۱۶۵.....	شبی کوتاه.....
۱۶۶.....	رقص آن زوج جوان.....
۱۶۷.....	دیواری از بهار.....
۱۶۹.....	باغی از عطر.....
۱۷۰.....	گامی دلم.....

از دفتر «سوره‌های زمینی»، ۱۳۸۷- با تأخیر

۱۷۲.....	سه ی گل سرخ.....
۱۷۳.....	سوره‌ی شعر.....
۱۷۴.....	سوره‌ی شور و غوغا.....
۱۷۵.....	سوره‌ی تنصوت.....
۱۷۶.....	سوره‌ی انجماد.....
۱۷۷.....	سوره‌ی تانک.....

از دفتر «شاخه‌ای از ماه»، ۱۳۷۹

۱۸۰.....	سهم ما.....
۱۸۱.....	شاخه‌ای از ماه.....
۱۸۲.....	درخت.....
۱۸۳.....	خلقِ مدام.....
۱۸۴.....	پاییز می‌رویم.....
۱۸۵.....	دار.....
۱۸۶.....	تا معنی من.....
۱۸۷.....	باش!
۱۸۸.....	کاش!
۱۸۹.....	شرابت را مهیا کن.....

از دفتر «میوه‌ها»، ۱۳۷۹

۱۹۲.....	اشیاء ساده.....
۱۹۴.....	گلِ فندق.....
۱۹۵.....	سالی دو بار.....
۱۹۶.....	یک شب که عاشقان همه خوابند.....
۱۹۷.....	اینان و آنان.....
۱۹۸.....	خانه‌ی پدری (۱).....
۱۹۹.....	قالی قدیمی.....

۲۰۰.....	کولی‌ها (۲).....
۲۰۲.....	گردِ ملال.....
۲۰۳.....	باییزی زردم و.....
۲۰۴.....	از کل جهان.....

از دفتر «باغ و جهان مردگان»، ۱۳۸۲

۲۰۶.....	شباہت (۱).....
۲۰۸.....	پاسخ.....
۲۰۹.....	اتفاق.....
۲۱۰.....	کبیه.....
۲۱۱.....	کو، تا صبح.....
۲۱۲.....	و مرگ.....
۲۱۳.....	دستی پنهان.....
۲۱۴.....	دختران کولی.....
۲۱۵.....	مردم اگر.....
۲۱۶.....	مُردن.....
۲۱۷.....	عطری مکتوب.....

از دفتر «شعر، پیرایه شبیه گرگ»، ۱۳۸۲

۲۲۰.....	شعر.....
۲۲۱.....	شعر، چیزبست شبیه گرگ.....
۲۲۲.....	شعر (و شعر نقاشی کلمات است).....
۲۲۳.....	شعر (چشم، دری گشوده بر آتش).....
۲۲۴.....	زبان و خاک.....
۲۲۵.....	شعر یعنی (۳).....
۲۲۶.....	شعر را، هزار چهره است.....
۲۲۷.....	شعر (نشستن بر فرش خزان).....
۲۲۸.....	شعر، اما.....
۲۲۹.....	شعر (کوه).....
۲۳۰.....	دانستم.....
۲۳۱.....	شعری شکفته بود.....
۲۳۲.....	شاعران (دیگر بار).....
۲۳۳.....	شاعر (نه این پنجره).....
۲۳۴.....	باورانِ حیات.....

۲۳۶	 شاعر (شب)
۲۳۷	 شعری از سنگ
۲۳۸	 درون واژه‌ها
۲۳۹	 تا دایره، کامل شود
۲۴۰	 پس بگذار
۲۴۱	 از آغاز جهان
۲۴۲	 تنها در شعر
۲۴۳	 شعر

از دفتر «از وطن»، ۱۳۸۹

۲۴۶	 می‌شود هنوز
۲۴۷	
۲۴۸	 در روزه ای صبح
۲۴۹	 پس از نشستن باران
۲۵۰	 شیراز و من
۲۵۱	 این بند انگشتی‌ها
۲۵۲	 اطلسی‌ها
۲۵۳	 فصل اول
۲۵۴	 کودکان و بهار
۲۵۵	 با خون خود چه کردند؟
۲۵۶	 هنوز در پی آن کفش
۲۵۷	 این کودک سه ساله
۲۶۰	 آری درخت
۲۶۲	 من در کدام لحظه‌ی این عمر؟
۲۶۴	 عکس‌ها
۲۶۶	 شیراز، نام دیگر من
۲۶۸	 کجای جهان‌های شیراز؟
۲۷۰	 بهار نارنج
۲۷۱	 از وطن
۲۷۲	 این، آن
۲۷۳	 در این جا که شیراز
۲۷۴	 بهار
۲۷۵	

از دفتر «در وقت حضور مرگ»، ۱۳۸۹

۲۷۸	 گوش کن!
-----	---------------

۲۷۹.....	مرگ ۱)
۲۸۰.....	مرگ ۲)
۲۸۱.....	پشتِ تپه‌ها
۲۸۲.....	سالی که
۲۸۳.....	گریه‌ای هست به نام مرگ
۲۸۴.....	وقتی که مرگ
۲۸۵.....	بس قصه‌ها که بگویند!
۲۸۶.....	رستاخیز ۱)
۲۸۷.....	وصف
۲۸۸.....	کاش
۲۸۹.....	کاشا
۲۹۰.....	لوح گور ۳)
۲۹۱.....	در اندوه تو
۲۹۲.....	بنگ‌رش!

فصل دهم کتاب کلمات، ۱۳۹۰

۲۹۴.....	کتاب کلمات
۲۹۵.....	سوره‌ی شعر
۲۹۶.....	شعر (پژواک سکوت)
۲۹۷.....	شعر سکوت
۲۹۸.....	شعر (می‌آید)
۲۹۹.....	شعر (کاسه آبی ست)
۳۰۰.....	شعر (برده از رخ برگرفتن)
۳۰۱.....	شعر (لادن و شگفت)
۳۰۲.....	شعر (به آزمونت می‌کشد)
۳۰۴.....	شعر (کودک)
۳۰۵.....	شعر (زندگهان)
۳۰۶.....	شعر (در شب است)
۳۰۷.....	شعرها
۳۰۸.....	شعرهای نهجیده
۳۰۹.....	شعر خوب
۳۱۰.....	کار شعر
۳۱۱.....	گل سنگ
۳۱۲.....	شاعری

۳۱۳.....	سفارش.....
۳۱۴.....	و شاعر خواهی شد.....
۳۱۶.....	نوستالوژیا (۱).....
۳۱۷.....	شاعر (از دور دیدنی ست).....
۳۱۸.....	شاعران (پر پرنده).....
۳۱۹.....	شاعران، اما.....
۳۲۱.....	شاعران (حاکمان می آیند).....
۳۲۲.....	ایامگان د.....
۳۲۳.....	و ح.....
۳۲۴.....	معریست در سکوت.....
۳۲۶.....	گای.....
۳۲۷.....	ما در کجای این شب تاریک؟.....
۳۲۸.....	شاعر (هر شاعر).....
۳۲۹.....	سلام بر عشق.....
۳۳۰.....	زایش بهار.....
۳۳۱.....	جهان.....
۳۳۲.....	در صبح وطن.....
۳۳۳.....	پیوسته.....
۳۳۴.....	گل.....
۳۳۵.....	ها، دست‌ها!.....
۳۳۶.....	شب‌های بدر ماه.....
۳۳۷.....	کتیبه.....

از دفتر «حیرانی‌ها»، ۱۲

۳۴۰.....	سهم ما.....
۳۴۱.....	بنویس کاتب!.....
۳۴۲.....	ما از پرندگان.....
۳۴۳.....	حیرانی (۱).....
۳۴۴.....	حیرانی (۲).....
۳۴۵.....	بر او چه گذشته؟.....
۳۴۶.....	تردیدها.....
۳۴۷.....	در سایه می‌مانند.....
۳۴۸.....	سنگان تاریکی.....
۳۴۹.....	بن‌بست.....

۳۵۰	زیر باران شب
۳۵۱	در خواب‌های من
۳۵۲	پشت هر در
۳۵۳	زلزله
۳۵۴	گاهگاهی
۳۵۵	جاده / خانه
۳۵۶	سیب دو نصف
۳۵۷	یک لحظه دیدم
۳۵۸	در منار شما
۳۵۹	نان تاز
۳۶۰	تا ابد خاموش
۳۶۱	قالی ایرانی
۳۶۲	باغ بلور
۳۶۳	بیدها
۳۶۵	فرش ایرانی
۳۶۶	این چمن
۳۶۸	و تو
۳۶۹	هر گلی را، فصلی است
۳۷۰	بهار (۱)
۳۷۱	تنها من و خدا
۳۷۲	شیراز، گلی است!
۳۷۳	زیر رگبار بهار
۳۷۴	باران که گذشت
۳۷۵	بعد از آن هجوم برف
۳۷۶	و چه تابستانی
۳۷۷	نرگس، گلی است
۳۷۸	پاسخ (۱)
۳۷۹	رازقی
۳۸۰	در نوبت عمر
۳۸۱	باز پائیز؟
۳۸۲	چه زلال
۳۸۳	پاسخ (۲)
۳۸۴	ردپای زمان

۳۸۵.....	من کیستم، او؟
۳۸۶.....	پرسش
۳۸۷.....	سبز خواهم شد
۳۸۸.....	کتیبه
۳۸۹.....	او

از دفتر «از ظلمت روح»، ۱۳۹۱

۳۹۲.....	هر شاعری
۳۹۴.....	شعر آینه است
۳۹۶.....	قاصد هندوانه
۳۹۷.....	زیباتر از شگفت
۳۹۹.....	تداعی
۴۰۱.....	دریای
۴۰۲.....	مار را زخمی نماند
۴۰۳.....	زخم زبان
۴۰۴.....	از ظلمت روح
۴۰۶.....	بر پهنه‌ی این سکوت
۴۰۷.....	مردگان گر باز می‌گشتند
۴۰۸.....	این خاطره‌ها
۴۰۹.....	نوستالوژیا (۲)
۴۱۰.....	پائیز در میان موی من
۴۱۱.....	من خسته‌ام، خراب
۴۱۲.....	رنگ سفید
۴۱۳.....	آن روز بی شروع
۴۱۴.....	خط تیره
۴۱۵.....	شاید کبوتری

از دفتر «دهان تسلی»، ۱۳۹۲

۴۱۸.....	شعر و مرگ
۴۱۹.....	درخت و شاعر
۴۲۰.....	در بارش صبح
۴۲۱.....	تا کجا؟
۴۲۲.....	مرگ شاعر
۴۲۳.....	گلی قاصد
۴۲۴.....	و تو دیوانه‌ی آن جلوه‌گریش

۴۲۵.....	شیراز، گلی ست.....
۴۲۶.....	آن عطر که در بهار.....
۴۲۷.....	جانی مگر.....
۴۲۸.....	زیر این برف.....
۴۲۹.....	گل لیمو.....
۴۳۰.....	پائیز درون من.....
۴۳۱.....	در روبه روی هم.....
۴۳۲.....	او.....
۴۳۳.....	تا آخر زمنا.....
۴۳۴.....	من با - حور تو.....
۴۳۵.....	عالمی دار.....
۴۳۶.....	خوشا.....
۴۳۷.....	پائیز.....
۴۳۸.....	دهان تسلی.....
۴۳۹.....	ما نوشتیم.....
۴۴۰.....	پاسخ.....
۴۴۱.....	صلح.....
۴۴۲.....	زندگی.....
۴۴۳.....	در این برهوت.....
۴۴۴.....	جاری باش.....
۴۴۵.....	فکر پرواز باش.....
۴۴۶.....	مات.....
۴۴۷.....	هوا، گرگ و میش است.....
۴۴۸.....	سر لحظه.....
۴۴۹.....	این همه سیاه؟.....
۴۵۰.....	سهم ما.....
۴۵۱.....	دارم هوا.....
۴۵۲.....	کاشا نارنج بنی.....
۴۵۳.....	بر لوح شان، اما.....
۴۵۴.....	سروها.....
۴۵۵.....	در فراموشی نخواهی مرد.....

از دفتر «دفتر گمشده»، ۱۳۹۲ - با تأخیر

۴۵۸..... کجاست آتش خورشید؟.....

۴۵۹	قاصدک آ...
۴۶۰	تنگی از ماهی
۴۶۲	در سردخانه
۴۶۳	عطر درخت تن
۴۶۴	دیرست ما را، مردگان
۴۶۶	گور مردگان ما کجاست؟
۴۶۷	تا کی بهار در آید
۴۶۸	رخواست های ما
۴۷۰	بازر ۲۱
۴۷۱	نسترن گلی ست
۴۷۳	مصادیق
۴۷۵	شب دیه ماهی
۴۷۷	در فضای حال
۴۷۸	بخشک مرگ
۴۷۹	حیرانی
۴۸۰	امروز
۴۸۱	شاعر کور
۴۸۲	بدا، عمر دراز
۴۸۳	کورها
۴۸۴	تاریک خود منم
۴۸۵	در روزهای بارانی
۴۸۷	گو بیاید!
۴۸۸	هراس از جدائی
۴۸۹	اما برای ما
۴۹۰	سیل
۴۹۱	آدمی کاش
۴۹۲	بر قطار خارج از رده
۴۹۳	کاش (۱)
۴۹۵	نترسیدن از مرگ
۴۹۶	کاش (۲)

از دفتر «گنجشک ها و کلاغ ها»، ۱۳۹۲

۴۹۸	این همه پرنده
۴۹۹	آنان، اینان

۵۰۰	گنجشک
۵۰۱	نماز شعر
۵۰۲	از
۵۰۳	نیایش
۵۰۴	با یاد تو
۵۰۵	چقدر؟
۵۰۶	و بهار
۵۰۷	می نویسد
۵۰۸	با یاد
۵۰۹	و چه در
۵۱۰	غروب
۵۱۱	حسرت
۵۱۲	عمر گل صبح باغ
۵۱۳	خاکستری، سیاه
۵۱۴	باز این کلاغ پیر
۵۱۵	تنها در شعر
۵۱۶	قدمی می زنم اینک
۵۱۸	از اعماق آلاله‌ی باستانی
۵۱۹	کجا رفته بودی؟
۵۲۱	ما نوشتیم
	از دفتر «انارها و شعرهای دیگر» ۱۳۹۶
۵۲۴	شعر و انار
۵۲۵	زیر این ماه
۵۲۶	باغ تک گل
۵۲۷	زالال باش
۵۲۸	شعر زنده
۵۲۹	قله و گل
۵۳۰	که چنین
۵۳۱	کاشا
۵۳۲	ساک‌ی پر از عکس، پر از نامه
۵۳۳	می بارم
۵۳۴	و باران
۵۳۵	گل انارک‌ها

- ۵۳۶..... در انارستان.....
- ۵۳۷..... کار امروزی من.....
- ۵۳۸..... سهم صبحانه‌ی ما.....
- ۵۳۹..... عصرانه.....
- ۵۴۰..... و تو در حسرت.....
- ۵۴۱..... با دهانی همه تلخ.....
- ۵۴۲..... به سنگ گور.....
- ۵۴۳..... م. گند، لک و کلاغ.....

از دفتر «حرفی برای گفتن»، ۱۳۹۶

- ۵۴۶..... حرفی برای گفتن.....
- ۵۴۷..... بیایا در..... از آد.....
- ۵۴۹..... می‌روم..... که بگیریم بر ته.....
- ۵۵۱..... خوشا این طره، این برکه.....
- ۵۵۳..... محال.....
- ۵۵۵..... بید مجنون.....
- ۵۵۶..... جنگلی هستی تو ای انسان.....
- ۵۵۷..... جد اعلا.....
- ۵۵۹..... با چنین مردگان، چه باید مان؟.....
- ۵۶۱..... هر کجا شیراز.....
- ۵۶۲..... ای گل سلام بر تو.....
- ۵۶۴..... در لباس سفید.....
- ۵۶۵..... کی؟.....
- ۵۶۶..... خانه، چیز دیگرست.....
- ۵۶۷..... آبی کجاست؟.....
- ۵۶۸..... گل خاص خدا.....
- ۵۶۹..... دو قمری.....
- ۵۷۰..... که انگار آن حلقه بر گردن من.....
- ۵۷۳..... کجا باده‌ی تلخ؟.....
- ۵۷۵..... عمر ما.....
- ۵۷۶..... از این نگنا.....
- ۵۷۷..... کاش روزی آدمی، آری.....
- ۵۷۸..... اینجا همه ساله.....

ایجاز زیبا*

سیمین بهبهانی

اوجی جان سلام

نامه‌ات رسید با شعر قشنگی که دیباچه آن بود «کجاست مشعل‌ی ماه؟» راستی در شعرهای کوتاه‌ت چه ایجاز زیبا و مؤثری داری، مثل یک لبخند، یک نگاه، یک سلاه یا به قول خودت یک آه، گویای همه چیز هست بی آنکه کلمات زائد مصرف کرده‌سی. این خصوصیت فقط در شعرهای توست و من و دیگران برای القاء این اندازه تأثیر با خیل کمتر فضا سازی و مقدمه‌چینی کنیم. البته به طور جسته گریخته و نه به طور مستقیم در [شعرهای] دیگران هم گاهی دیده‌ام اما شعرهای کوتاه تو اکثراً چنین خصیصه‌ای دارند... به هر حال گره بغضی که در گلو داشتم با خواندن شعرت فشرده‌تر شد، مدت‌ها است که از همه چیز یعنی شعر دور افتادم و گرفتار ابتذال هستم....

فدایت

سیمین بهبهانی

۲۴ دیماه ۱۳۶۴